چند تذکر در باره حفظ قرآن

رضایی، محمد مهدی

آنچه در این مجال چند سطری به آن خواهیم پرداخت و امیدواریم که قرآنیان و شیفتگان وحی الهی را فایده دهد، عبارت است از:

1.شرایط حفظ قرآن.

2.شرایط حافظ قرآن.

3.شرایط قرآن مخصوص حفظ.

4.کیفیت حفظ قرآن.

بحث اصلی ما،کیفیت حفظ است و سه عنوان قبل از آن،هم در واقع و هم در این نوشته،مقدمه و پیش‏درآمد است.

1-شرایط حفظ

1-1.قرآن به زبان عربی نازل شده و هر کس بخواهد آن را حفظ کند و یا با آن سروکار جدی داشته باشد،باید درست خوانی آن را یاد بگیرد.درست خوانی قرآن اولین‏ گام برای ورود در وادی پررمز و راز آن است؛پله‏ای که‏ باید آن را طی کرد تا توانست به مراحل بالاتر رسید؛علمی‏ جداگانه که حتما باید آموخت.و اگر این آموزش در سنین‏ کودکی صورت گیرد،بهتر و سودمندتر است.

2-1.تجوید از علوم قرآنی است که یاد گرفتن آن به‏ (\*)در نگارش و تنظیم این متن،از کتاب«هکذا نحفظ القرآن الکریم»سود بسیار برده‏ایم.

هکذا نحفظ القرآن الکریم:دراسة علمیّة میسّرة ترشد الناشئة الی أفضل‏ و أسهل طریقة لحفظ القرآن الکریم باسلوب عملی مبسط،الحافظ علاء البصری و صفاء الدین البصری،مشهد:مؤسسة الطبع و النشر التابعة للآستانة الرضویة المقدّسة،1417 ق.

درست خوانی و شیواخوانی قرآن می‏انجامد.معنای‏ لغوی تجوید،نیک انجام دادن کاری است و در اصطلاح‏ به درست خوانی قرآن گفته می‏شود.یادگیری این علم بر کسی که قصد حفظ قرآن را دارد ضروری است.قرآن را نمی‏شود به هر صورت که شد و پیش آمد،تلاوت نمود. قواعد و قوانینی هست که سینه به سینه از طریق قاریان و عالمان قرآنی نقل شده که نهایتا به قرائت رسول خدا (صلی اللّه علیه و آله)منتهی می‏شود و سرپیچیدن از آنها جایز نیست.

3-1.حافظ قرآن باید بیاموزد که‏ قرآن را با«ترتیل»و آرامش بخواند. البته ترتیل به معنای ادای حروف و علم‏ به وقف‏ها نیز هست؛یعنی بدانیم‏ مخرج حروف کدام است و در چه‏ جایی باید ایستاد و در چه جایی نباید. خداوند می‏فرماید:

و رتل القران ترتیلا.

(قرآن را شمرده و روشن بخوان،مزمل، 4).مگر هدف از خواندن قرآن و یا حفظ آن چیست؟مگر غیر از این است‏ که روح خود را در زلال آرامش و تأنی‏ آیات بشوییم و معانی بلندمرتبهء آن را درک کنیم.آری جز این نیست و این تنها در پرتو درست و شمرده‏خوانی آیات بدست می‏آید.

4-1.دنیای اطراف ما دنیای نظم و ترتیب است.همه‏ چیز در جای خود نهاده شده و در وقت خود به وجود آمده.هیچ تخلفی در هیچ‏یک از موجودات هستی،چه‏ مکانا و چه زمانا راه ندارد و این‏چنین است که همه چیز زیبا و در کمال آراستگی است و همهء موجودات آنچه را که بر عهده دارند به خوبی عمل می‏کنند و آنچه را که‏ می‏توانند،بروز می‏دهند.ما انسان‏ها نیز گریزی از این‏ قاعده نداریم؛از اینکه کارها را بر طبق نظم انجام دهیم تا در آخر به نتیجه‏ای که توقع داریم،برسیم.آنکه می‏خواهد قرآن،این سخن خداوند بزرگ را در خاطر خود جای دهد و به کاری بس سترگ دست بزند،از همه‏کس به نظم و ترتیب اولی‏تر است.او باید وقتی را که مناسب این کار است،پیدا کند؛ساعتی که ذهن آرامش دارد و دل‏ مشغولی‏هایش اندک است و هنوز به تصورات گوناگون‏ آلوده نشده و آماده است که انواع ملعومات را قبول کند. می‏گویند بهترین ساعت برای حفظ،هنگام فجر و بعد از نماز صبح است.در این ساعات،نفس انسان توجه‏ بیشتری به کلام خداوند دارد و هنوز به سیاهی‏های ماده و افکار دنیوی‏ ملوث نشده است.هم بدین جهت‏ است و هم تجربه نشان داده که‏ مناسب‏ترین سن برای حفظ قرآن 6 تا 15 سالگی است.در این سالها ذهن‏ و روح آدمی صاف و زلال است و موضوعات گوناگون زندگی دنیا آن‏ را نیالوده است.این سخن بدین معنا نیست که افرادی در سن و سال بالاتر قادر به حفظ نیستند.نه ایشان هم‏ می‏توانند ولی باید سختی و مرارت‏ زیادتری را تحمل نمایند تا به‏ مقصود برسد.

از وقتی که به حفظ اختصاص داده شده،نباید تخلف‏ کرد.نباید به کار دیگری،مادام که ضرورت ندارد، پرداخت.خوب است همه روزه در همان ساعت به سراغ‏ قرآن برویم و آن وقت را مثل وقت نماز گرامی بداریم.

لازم نیست وقتی که معین شده در طول یک سال‏ لا یتغیر باقی بماند.حافظ می‏تواند در فصل‏های مختلف و یا در مسافرت و همچنین در روزهای تعطیل آن ساعت را تغییر بدهد.

5-1.برای اینکه کاری به بهترین صورت انجام شود، آرامش و راحتی فکر،شرط اساسی است.با فکر مشوش‏ و روح مضطرب نمی‏توان به دقت و ظرافت کار کرد. جایی را که برای حفظ در نظر گرفته‏ایم،باید بدون سر و صدا و خالی از تصاویر رنگارنگ که هر لحظه چشم انسان‏ را به خود می‏خواند،باشد،در غیر این صورت،اگر موفق‏ نشدیم و حافظ خوبی از کار در نیامدیم،نباید جز خود را ملامت کنیم.

به قول شاعر:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

حافظ قرآن هم نیازمند خنجری است که بر دیدهء خود بزند و دل و روحش را فارغ سازد و آن خنجر،پناه بردن به‏ خلوت و دوری گزیدن از هر چیزی است که حواس‏پرتی‏ و دل مشغولی آورد.

اگر امکان دارد،مکانی خاص انتخاب کنید،چرا که‏ تغییر آن،از تمرکز حواس می‏کاهد.اگر همیشه در وقت‏ معینی در یک مکان به حفظ بپردازید،چشم و ذهن شما بدان جا عادت کرده،دیگر از این شاخه به شاخه نمی‏پرد و می‏توانید با خیال آسوده و دل فارغ به قرآن و حفظ آن‏ برسید.پس دانشجو و دانش‏آموزی که درسش تمام شده‏ و در حال برگشت به خانه است.همچنین کارگری که‏ خسته و کوفته است،هیچکدام نمی‏توانند حافظان موفقی‏ باشند،اگر بخواهند در این مواقع،با وجود کسالت و خستگی به حفظ اقدام کنند.

6-1.شنیده‏اید که:

رهرو آن نیست که گه تند و گه آهسته رود رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

کم حفظ کردن و خوب حفظ کردن همیشه بهتر است‏ از پر حفظ کردن و بد حفظ کردن.حافظ قرآن قبل از هر چیز باید به مقدار قابلیت و توانایی خود نگاه کند و آنگاه‏ خود را به میدان عمل بیندازد.کسی که زود خسته می‏شود یا آنکه در ابتدای راه است،نباید یک دفعه،روزی چند ساعت قرآن حفظ کنند؛نباید به حافظه خود سخت‏ گرفت.البته ممکن است در ابتدای امر،به خاطر اشتیاقی‏ که دارند و یا به این خیال که استعدادشان زیاد است،تا حدّی موفق هم بشوند،ولی مدت زیادی نمی‏گذرد که‏ آثار رنج و فراموشی در ایشان بروز می‏کند و گاه اتفاق‏ می‏افتد که کار به کنار گذاشتن حفظ و زدگی از آن‏ می‏انجامد.حافظ باید ذهن خود را خسته نکند و وقتی دید که دارد به سختی ادامه می‏دهد،دست بکشد و لختی‏ استراحت کند تا دوباره قوایش،برای ادامه کار،گرد بیایند. اینگونه هم شوق و اشتیاق اولیه باقی می‏ماند و هم کار حفظ به خوبی پیش می‏رود.

7-1.انسان در هیچ حال نباید خود را از عنایت و توجه خداوند و اولیای بزرگوار او(علیهم السلام)بی‏نیاز بداند.هستی همه طفیل وجود آن‏هاست؛طفیل وجود عشق.تا دست توسل به عنایات ایشان نزنیم و نخواهیم که‏ یاری‏مان کنند،راه به جایی نمی‏بریم.خاصه اگر کاری‏ چون حفظ قرآن را بخواهیم به سامان برسانیم.

دعاهایی از ائمهء هدی(علیهم السلام)وارد شده که‏ خواندن آن‏ها،با بصیرت و توجه آثار معنوی فراوانی در آسان شدن حفظ و فهم مضامین الهی قرآن دارد.

8-1.استفاده از تفسیر قرآن و مراجعه به آن‏ها برای‏ درک معانی آیات بسیار سودمند است.این کار زنجیره‏ای‏ کامل از یک موضوع قرآنی در ذهن حافظ ایجاد کرده،او را در فهم آیات و عبارات یاری می‏دهد.این نتیجه به یمن‏ وجود رابطهء محکمی است که بین لفظ و معنا وجود دارد.

2-شرایط حافظ

1-2.گفتن این نکته شاید ضرورت نداشته باشد -چون روشن است-که انسان‏ها استعدادها و توانایی‏های‏ گوناگونی دارند؛هر کس قابلیت و شایستگی‏ای دارد.همهء افراد در قوت و ضعف حافظه،در آسودگی یا اضطراب‏ فکر،در سختی و سستی اراده و مانند این،یک گونه‏ نیستند.مثلا در حفظ قرآن،آن‏که حافظهء خوبی دارد در کارش موفق‏تر است و آن‏که ندارد،به کندی پیش می‏رود. علاوه بر این‏ها،عوامل بیرونی و آنچه در اطراف انسان‏ رخ می‏دهد،سهم به سزایی در پیروزی یا شکست او در هر کاری دارند.آدمی،هرگز نمی‏تواند خود را چون‏ تافته‏ای جدابافته،از پیرامون و دنیای بیرون،سوا کند و ناچار تحت تأثیر خوب یا بد آن‏ها قرار می‏گیرد.همهء اینها به جای خود،البته این هم هست که اگر آدمی پشتش به‏ صبر و استقامت و توکل بر خدا،گرم باشد،پستی‏ها و بلندی‏های راه پیش چشمش هموار شده،به آنچه‏ می‏خواهد می‏رسد.

2-2.انسان معدن و خاستگاه قابلیت و استعداد است. استعدادی که گاه به خاطر غفلت و نادانی،از دید خود او نیز پنهان می‏ماند.کسی باید که او را از این بی‏خبری،خبر دهد و همتش را در بکار گرفتن آن استعدادها برانگیزاند. بسیاری می‏توانند حافظان خوبی باشند و در این راه به‏ مراتبی بلند دست یابند،اما خود نمی‏دانند.در اینجا است‏ که دوستان و آشنایان شخص باید او را در کشف قابلیت و استعدادش یاری رسانند و توانایی‏اش را در مسیر حفظ قرآن هدایت کنند.گاه یک تذکر یا یک اشاره می‏تواند بسیار کارساز باشد.

3-2.اگر مقدمات فراهم شد و شخص عزم خود را بر حفظ محکم کرد،اولین گام،انتخاب راهی است که او را در کمترین وقت و به آسان‏ترین صورت،به خواسته‏اش‏ برساند.

در ابتدای امر،بسیاری راهی را می‏پیمایند که دیگران‏ رفته‏اند.ایشان زحمت تجربه کردن و دست یافتن به راهی‏ بهتر را به خود نمی‏دهند؛یعنی تقلید می‏کنند.و نمی‏دانند که پی روی دیگران و تقلید هیچگاه ماندنی نبوده و نیست. آنکه خود را به بی‏راههء تقلید افکند،یا در میان راه باز ماند و یا به جایی رسید که دیگران پیش از او بدان‏جا رسیده‏اند و این یعنی هیچ!

حافظ باید مناسب با استعداد خود و مقدار نیرویی که‏ می‏تواند صرف کند،راهی اندیشه کند و آنگاه به آن عمل‏ نماید.با گذشت زمان این شیوهء انتخابی برای خود جا باز می‏کند و شیوه‏ایی که مخصوص خود حافظ خواهد بود.

4-2.گفته شد که قرآن به زبان عربی است و هر کس‏ بخواهد با قرآن سروکار جدی داشته باشد،باید آن زبان و قواعدش را بیاموزد.یادگیری قواعد لغت عرب،مانند صرف و نحو،در کار حفظ،بسیار لازم است.شخصی که‏ صرف و نحو می‏داند،در خواندن و فهم آیات به اشتباه‏ نمی‏افتد.مثلا اگر این آیه را بشنود یا بخواند که:

و اذا ابتلی‏ ابراهیم ربه

(هنگامی که پروردگار ابراهیم را آزمایش کرد: بقره،124)می‏فهمد که آزمایش کننده خداوند است و آزموده شده،ابراهیم.یعنی کلمهء«ابراهیم»را باید «منصوب»بخواند،چون«مفعول»است و کلمهء«ربّه»را «مرفوع»چون،«فاعل»است.حال اگر این دو حرکت با هم‏ عوض شود،معنا بالکل چیزی دیگر خواهد شد.همین‏ یک مثال کافی است که ضرورت آموختن قواعد لغت‏ عرب،روشن شود.

5-2.چیزی که گریبان بسیاری از حافظان و قاریان‏ تازه‏کار را می‏گیرد و گاه مانع پیشرفت آنها می‏شود، کم‏رویی و حیاست؛حیایی که لایق ایشان نیست.علاج‏ این بیماری چند چیز است که متداول‏ترین آنها،روبه‏رو شدن مستقیم با مردم است.این کار گرچه در اول بر شخص گران می‏آید ولی با تکرار آن،سختی به آسانی بدل‏ می‏شود و حافظ و قاری به آن خو می‏گیرند.توصیه‏ می‏کنیم که حافظ به طور مداوم در جلسات قرآنی شرکت‏ کند-گرچه یک بار در هفته باشد-و سعی کند با حضور در برابر مردم و خواندن قرآن،کم‏کم آن روحیهء خجالت و کم‏ جرأتی را در خود محو و نابود کند.

3-شرایط قرآن مخصوص حفظ

1-3.ترتیب در حفظ آیات و به خاطر سپردن منظم‏ آن‏ها،باعث این می‏شود که محفوظات به راحتی در حافظه انسان جای‏گیر شوند و به آسانی از یاد نروند.بدین‏ جهت باید موضوعات قرآنی را تقسیم‏بندی کرد و بر اساس آن،کار حفظ را شروع کرد.معمولا در قرآن‏هایی‏ مثل قرآن نوشته شده به خط«طاهر خوشنویس»و قرآن‏هایی که چاپ پاکستان و ایران است،در پایان‏ موضوعات علامت«ع»که نشانگر«رکوعات»قرآنی‏ است،گذارده شده.معمولا کسانی که می‏خواهند قرآن را در دو سال حفظ کنند،هر روز یک«رکوع»را حفظ می‏کنند.

2-3.توصیه می‏شود که حافظان در طول مدت حفظ، از یک قرآن بهره ببرند.(البته برای سهولت کار،استفاده از یک قرآن متوسط در منزل و از یک قرآن کوچک در بیرون،مانعی ندارد)توصیه می‏شود از قرآنی که به خط «عثمان طه»است و در بلاد اسلامی،خاصه کشورهای‏ عربی معروف است و در ایران هم معتبر دانسته شده، مورد استفاده قرار گیرد.معمولا این قرآن‏ها علامت«ع»را ندارند و کسی که بخواهد از روی آن‏ها به حفظ اقدام کند، دچار مشکل می‏شود.حل آن خیلی ساده است.با کمک‏ گرفتن از قرآن‏های علامت‏دار و با دقت،می‏شود قرآن‏ «عثمان طه»را علامتگذاری نمود.

3-3.اگر حافظ قرآن با آیات و عبارات قرآنی اندک‏ آشنایی داشته باشد،خواهد دید که بین بعضی از آیات‏ مشابهت-کم یا زیاد-وجود دارد.ممکن است این مطلب‏ در او اضطراب ایجاد کند،به جهت اینکه می‏ترسد،در حفظ اینگونه آیات به اشتباه بیفتد.برای حل این مسئله‏ باید در حاشیهء قرآن،جلو آیه‏ای که مشابه دارد یادداشت‏ شود که مانند این آیه در کدام سوره و با شمارهء چند قرار دارد.بدین ترتیب در خاطر انسان می‏ماند که آیات مشابه‏ کدامند و هر یک در چه سوره‏ای و با شمارهء چند،آمده‏اند.

4-3.اما اندازهء قرآن.از مصحف‏های کوچک که خط ریز دارند و فاصله بین سطرهای آن‏ها کم است و چشم در برخورد با آن خطوط زود خسته می‏شود،پرهیز شود.اما چون بیشتر حافظان قرآن دانش‏آموزها و دانشجوها هستند و بسیار اتفاق می‏افتد که در بیرون از منزل،وقتی‏ مناسب برای حفظ می‏یابند و از طرفی به همراه داشتن‏ قرآن‏های متوسط،که برای حفظ مناسب‏ترند،آن هم در هر جا برایشان امکان ندارد،لذا استفاده از یک قرآن‏ کوچک مانعی ندارد تا بتوانند هر جا که مایل بودند و فرصتی دست داد،به آن مراجعه کنند.

4-کیفیت حفظ قرآن

1-4.حافظان بزرگ قرآن و عالمان علوم قرآنی،بر یک‏ روش خاص در حفظ قرآن اتفاق نکرده‏اند و این به سبب‏ اختلاف ذوق و سلیقه و تفاوت استعداد ایشان کاملا طبیعی است.اما مواردی هست که مقبول همهء آنهاست و اختلافی نیست.آن سه مورد عبارتند از:

1-تکرار و تمرین آیات؛

2.گوش دادن به نوارهای«ترتیل»؛

3.نوشتن آیات.

1.حافظ اگر بخواهد قرآن را با مهارت و چیرگی حفظ کند،از تکرار بسیار آیات گریزی ندارد؛تکرار،هم در هنگام حفظ و هم بعد از آن،در وقت تمرین.باید آیات‏

حافظان بزرگ قرآن و عالمان علوم قرآنی،بر یک روش خاص در حفظ قرآن اتفاق نکردند و این با توجه به اختلاف ذوق و سلیقه و تفاوت‏ استعدادها،طبیعی است.

قرآن را یک به یک تکرار کرد تا در حافظه جای بگیرد و همینطور ادامه داد تا یک جزء به اتمام برسد.بعد از حفظ یک جزء،نوبت به تمرین می‏رسد.تمرین را می‏توان به دو صورت انجام داد.حافظ اگر بخواهد خود به تنهایی‏ تمرین کند،بهتر است یک جزء را به سه جزء قسمت کند و در هر روز یک جزء را بخواند و تکرار کند.اما راه‏ سودمندتر آن است که محفوظات خود را برای دیگران‏ بخواند و از آن‏ها بخواهد،اشتباهاتش را بگویند.طرف‏ مقابل او اگر خود به تجوید و قواعد آن آگاه باشد، پسندیده‏تر است،تا اشتباهات حافظ را در همهء موارد به او گوشزد کند.تمرین را می‏توان اینگونه انجام داد:حافظ با شخص دیگر،به شکل مباحثه،قرآن را بخوانند-یک‏ صفحه او و یک صفحه طرف مقابل-تا اینکه یک جزء تمام شود.این روش،اگر به خوبی صورت پذیرد-بسیار شوق آفرین است و باعث تقویت محفوظات و روان‏ خوانی آیات می‏شود.

در تمرینات،حفظ آرامش و تأنی ضروری است؛ خواندن باید سلسله‏وار و جزء به جزء باشد.پراکنده‏ خوانی باعث بهم ریختگی ذهن و پیوندواری آن می‏شود.

2.شیوهء دیگر گوش دادن به نوارهای ترتیل است.اگر سخنی را چند بار بشنویم،معمولا آن را حفظ می‏شویم. هر کس از این‏گونه تجربه‏ها بسیار دارد.این روش اگرچه‏ به خوبی روش تکرار نیست ولی سود فراوان دارد.علاوه‏ بر آنکه شنیدن صدای قاریان معروف و ممتازی چون: عبد الباسط محمد عبد الصمد و محمد صدیق منشاوی، حافظ را در تسلط یافتن بر قواعد تجوید یاری کرده او را در مسیر حفظ دستگیری می‏کند.

3.امام علی علیه السلام فرمود:قیدوا العلم بالکتابه؛ دانش را با نوشتن حفظ کنید.نوشتن برای جای‏گیر شدن‏ معلومات در ذهن،عملی بسیار مفید است.این کار البته در حفظ قرآن که باید کلمه و کلمه و حرف به حرف به خاطر سپرده شود،نیاز به دقت و تمرین زیاد دارد.نوشتن گرچه‏ نمایی از یک عبارت را در ذهن بوجود می‏آورد ولی باید آن را بارها نوشت تا تماما و با همان هیأتی که دارد به‏ حافظه راه یابد و ماندگار شود.

2-4.در حفظ قرآن،باید از کم و از سوره‏های کوچک‏ آغاز کرد چون سوره‏ای مثل بقره به خاطر طولانی بودنش‏ ممکن است برای خیلی‏ها خستگی و ملالت آورد و خدای ناکرده ایشان را از ادامهء حفظ منصرف کند.بنابراین‏ باید از جزء سی‏ام که سوره‏های کوچک دارد و به خاطر سپردنشان آسان است،آغاز کنیم،که البته خود تمرینی‏ است برای روی آوردن به سوره‏های بزرگ و بزرگ‏تر.

سعی کنید پیش از حفظ آیات نام سوره‏ها را حفظ کنید و هم همراه با حفظ آیات شمارهء آنها را نیز به خاطر بسپارید و اگر این امکان ندارد،لااقل شمارهء آیهء اول‏ صفحه و آیهء آخر صفحه را فراموش نکنید.این کار،در بیاد ماندن آیات تأثیر فراوان دارد.

3-4.آیات زیادی را می‏توان سراغ گرفت که با هم‏ شباهت دارند و یا عین همند.مثلا آیهء 58 بقره با آیات 161 آل عمران،5 انعام،6 شعراء،10 نمل و 31 قصص همانند است و آیهء 89 سورهء آل عمران همان آیهء 5 سورهء نور است.حال توصیه می‏شود که در حفظ اینگونه آیات‏ تلاش و تکرار بیشتری را بکار بگیرید.اگر آیه‏های غیر همانند برای حفظ باید ده مرتبه تکرار شوند،این آیات را لازم است بیست مرتبه تکرار کرد تا خوب در ذهن جای‏ بگیرد.

این همانندی،در پایان بعضی از آیات نیز وجود دارد مثل:

«ان اللّه کان غفورا رحیما»

و

«کان اللّه غفورا رحیما»

،یا

«ان‏ اللّه کان علیما حکیما»

و

«و اللّه علیم حکیم»

.

فهم معنای آیات،حافظ را قادر می‏سازد که با استفاده‏ از مضمون آیات پایان آن‏ها را حدس بزند و مرتکب‏ اشتباه نشود.در این باره سرگذشت«اصمعی»که از خود او نقل شده،شنیدنی است:

روزی آیه:

«السارق و السارقة فاقطعوا ایدیهما جزاء بما کسبا نکالا من اللّه»

،را خواندم و آن را با عبارت

«و اللّه غفور رحیم»

ختم کردم.اعرابی‏ای که در کنار من بوده و قرائتم را می‏شنید،گفت:دوباره بخوان. خواندم.مرد گفت:غلط خواندی.گفتم: مگر تو قرآن می‏دانی؟گفت:نه،نمی‏دانم. گفتم:پس از کجا می‏گویی،غلط خواندم؟ گفت:آنگونه که تو خواندی اول و آخر آیه‏ با هم تناسب ندارد،احساس هنری و بلاغی آیه هماهنگ نیست.نمی‏شود که‏ خداوند سخنی از بدبختی و عقوبت‏ بگوید،آنگاه خود را به«غفور رحیم» وصف کند.در این وقت بود که به اشتباه‏ خود پی بردم و دانستم که آیه با

«و اللّه عزیز حکیم»

پایان می‏یابد آیه را خواندم.این بار اعرابی گفت:هان،این درست است.

4-4.بعضی می‏پرسند،هر روز چند آیه حفظ کنیم؟ آیا ملاکی برای این کار وجود دارد؟در پاسخ به این سؤال‏ جواب قانع کننده‏ای وجود ندارد.هر کس بر حسب‏ توانایی خود و وقتی که به حفظ اختصاص داده،عمل‏ می‏کند.از طرفی،تفاوت آیات در کوتاهی و بلندی،و سختی و آسانی،پاسخ به آن سؤال را مشکل‏تر می‏کند.در روش معمول،که حفظ در دو سال به انجام می‏رسد،حافظ رکوعات قرآنی را یکی پس از دیگری حفظ می‏کند،یعنی‏ هر روز یک«رکوع»را تا وقتی که جزء تمام شود.بعد از اتمام جزء،نوبت به تمرین آیات می‏رسد،تا محفوظات‏ خوب در ذهن ثابت شوند.بعد از تمرین و تسلط نسبی به‏ حفظ جزء بعد اقدام می‏کند.نکتهء مهم این است که شخص‏ تا آیه‏ای را به خوبی و کمال به خاطر نسپرده،نباید به حفظ آیهء بعدی بپردازد؛در غیر این صورت تمام کردن حفظ با سختی و ناتوانی و ضعف همراه خواهد بود و حافظ مجبور است بارها به آیه‏ای که حفظ کرده رجوع کند تا صحیح آن را حفظ شود.

خداوند همهء ما را در فهم و حفظ آیاتش یاری دهاد.